

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۷ سپتمبر ۲۰۲۰

"غنی احمدزی" جاده صاف کن "سلطه طالب!"

یکشنبه - ۱۶ سنبله ۱۳۹۹ - کابل: هرگاه خبر های روز های اخیر را با دقت دنبال نموده باشید، حتماً متوجه شده اید که در لایه لای اخبار مهم، خبری که زیاد از جانب رسانه ها بدان پرداخته نشد، انشعاب جدیدیست که در به اصطلاح "حزب وحدت اسلامی" مربوط شاخه "کریم خلیلی" رخ داد و در اثر آن تمام افرادی که با "غنی احمدزی" همکاری می نمایند، از حزب جدا شدند. از جمله "سرور دانش"، "طاهر زهیر"، "شاه حسین مرتضوی" و تعدادی از همکاران آنها رسماً رابطه شان را با "خلیلی" قطع نمودند. در یادداشت امروز تلاش خواهم نمود، تا بسیار مختصر به همین ارتباط نکاتی را خدمت شما هموطنان عزیز تقدیم بدارم:

۱- با در نظر داشت این که هر سازمان، حزب، جبهه و یا تشکل دیگری ابزار است جهت مبارزه به خاطر تحقق اهداف معینی؛ لذا به همان سان که ایجاد چنان نهادهایی می باید پاسخگوی نیاز زمان ایجادشان باشند، مسلم است که انشعابات و حتی انحلال آنها نیز اصولاً نباید خارج از مؤثریت نیاز زمان و روند تکامل آن نهاد همزمان با روند تکامل کلی جامعه و اعداد آن صورت گیرد.

در چنین حالتی وقتی یک نهاد به مثابه یک وسیله دیگر ظرفیت کارآیی خود را از دست می دهد و به کارد کندی مبدل می شود که به گفته مردم "بینی خر را هم بریده نمی تواند"، مسلم است که هیچ سلاح و قصابی آن را به کمر خود نخواهند بست، یا آن را توسط چرخگر مجدداً تیز می نمایند و یا هم آن را دور می اندازند و به جایش کارد جدیدی ابداع می نمایند.

۲- در کشور ما افغانستان نیز همین قاعده عمل می نماید، یعنی تمام احزابی که در پناه سرنیزه اشغالگران استعمار گر به وجود آمده اند، همه بدون استثناء علت وجودی و غرض از ایجادشان، دادن امکان معامله به سازندگان آن نهاد با نیروهای اشغالگر و دولت دست نشانده اشغالگران می باشد. به عبارت ساده تر، این نهاد ها بدین منظور به وجود نیامده اند و در وزارت عدلیه خود را با ننگ احزاب سرکاری ملوث و آلوده نساخته اند که برای آزادی افغانستان و رفاه مردم آن کاری انجام دهند، حتا آنهایی که از گذشته و به منظور وسیله قابل استفاده در معامله با روس به وجود آمده بودند، و ناگزیر خود را با شرایط جدید وفق دادند، در ماهیت و اهداف آنها تغییری به وجود نیامد، فقط طرف معامله شان تغییر یافت، جای روس را امریکا گرفت و جای "تره کی، ببرک و نجیب" را "حامد کرزی و غنی احمدزی".

۳- مسلم است که در چنین تشکلاتی، تعهد افراد به تشکیلات شان تا زمانی وجود دارد، که نهاد در جهت علت وجودی اش، یعنی تأمین منافع فردی آنها گام می‌گذارد، به محض آن که فرد و یا افرادی احساس نمایند که ظرف مورد نظر نه تنها نمی‌تواند دیگر منافع آنها را برآورده سازد، بلکه در نهایت دست آنها را از خوان نعمت گسترده به وسیله استعمار نیز کوتاه می‌سازد، هیچ جای تعجب ندارد، هرگاه افرادی جهت تأمین منافع شخصی، گروهی و یا سمتی شان، رابطه شان را با ظرف اصلی قطع نمایند، یا به صورت انفرادی با فروش توانائی هایشان به استعمار خدمت کنند و یا هم در صدد ایجاد تشکل جدیدی برآیند و از آن طریق به مثابه یک جمع، به خدمات شان به استعمار دوان بدهند.

۴- انشعاب اخیر در "حزب وحدت اسلامی" شاخه "خلیلی" نیز به همین دلیل صورت گرفت، "کریم خلیلی" که تا حد زیادی از یک جانب از نوچه‌ها و دست پرورده هایش از قماش "مرتضوی، زهیر و حتا دانش" قسماً ناراض بود و می‌خواست به مانند گذشته آنها را در بند و زنجیر خود نگهدارد و از جانب دیگر، از کردار "غنی احمدزی" و بی‌توجهی هایش دل خوشی نداشت، کوشید بختش را از طریق نزدیکی با "عبدالله عبدالمود" آزموده در صورت امکان شکوفا سازد، امری که تحقق نیافت، و کار به جایی رسید که "عبدالمود" باید به فکر سیر کردن شکم خود باشد تا سیر کردن شکم سیری ناپذیر متحدانی از قماش "خلیلی" و افرادش.

فضای به وجود آمده جدید به افرادی که در ساختار دولت دست نشانده به بازی گرفته شده اند، فرصت را مساعد ساخت تا از "خلیلی" جدا شده، مستقیماً و مستقلاً متاع شان را به "غنی احمدزی" تقدیم بدارند.
هموطنان گرامی!

تا اینجا قضیه فقط یک جهت و آنهم نچندان مهم این روند نشانه گرفته شده است، اصل مسأله این است که بدانیم "غنی احمدزی" از تشدید چنین روندی چه اهدافی را دنبال می‌کند و این که نفیر مرگ تنها در کنار گوش "حزب وحدت" نواخته نمی‌شود، بلکه تمام نهاد‌ها یا آن را شنیده اند و یا هم در آینده آن را خواهند شنید.
ادامه دارد